



## توانمندی‌ها و خلأهای عدالت ترمیمی در رسیدگی به جرایم خشن

مسعود احمدی‌راد

کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی

### چکیده

در طول سالیان متمادی، عدالت سزادهنده و عدالت بازپرورانه، در قالب سیاست کیفری سنتی یا کلاسیک تنها شیوه‌های حاکم بر حل تعارضات برای برقراری عدالت بوده‌اند. به دنبال ناکارآمدی‌ها و ضعف عملکرد این سیستم، عدالت ترمیمی به عنوان سیاست جدید و با هدف جبران خسارت بزه‌دیده، ترمیم و اصلاح مجرم و برقراری عدالت در جامعه ظهور یافته و گسترش پیدا کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی الگوی جدید عدالت کیفری و این که تا چه میزان در پیشگیری از ارتکاب جرایم خشن و روند رسیدگی به آن مؤثر است و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. نتایج به دست آمده نشان داده است که مشخصه اصلی عدالت ترمیمی، تأکید آن بر جبران ضرر و زیان بزه‌دیده می‌باشد. لذا در رسیدگی به برخی از جرایم خشن از جمله قتل عمد، آدم‌ربایی، جرایم منافی عفت می‌توان از توانمندی‌های عدالت ترمیمی جهت جبران خسارت بزه‌دیده و همچنین برقراری صلح و سازش بین بزه‌دیده یا وابستگان او و بزه‌کار استفاده کرد. البته این به این معنا نیست که عدالت ترمیمی به تنهایی کارساز است بلکه عدالت ترمیمی در کنار عدالت کیفری کلاسیک می‌تواند بسیاری از تعارضات و اختلافات را حل نموده و به برقراری نظم و امنیت در جامعه و تحقق عدالت کمک کند.

**واژگان کلیدی:** عدالت سزادهنده، عدالت بازپرورانه، عدالت ترمیمی، توانمندی، خلأها، جبران خسارت.



## 1. مقدمه

امروزه در جهان مدرن همه ابعاد و زوایای زندگی و روابط بشر دچار تغییر و تحولات گسترده شده است. این تحولات باعث شده الگوهای متعارف و یا موازی یا مکمل الگوهای سنتی به عرصه ظهور برسد. در این میان سیاست‌های کیفری نیز از این تغییر و تحولات به دور نمانده است، زیرا این سیاست‌ها نیز با چالش جدید مواجه بوده و ناکارآمدی آن‌ها بارها اثبات شده است. عدالت سزادهنده که ناظر به جرم است و عدالت بازپرورانه که ناظر به بزهکار است و هر دو به عنوان مدل کلاسیک یا سنتی عدالت کیفری مشهور شده‌اند، در دهه‌های اخیر با ایرادهای مختلفی که متوجه کارایی و عملکرد آن‌هاست روبه‌رو هستند. لذا جرم‌شناسان و حقوقدانان، عدالت ترمیمی را به عرصه جرم‌شناسی وارد نمودند (میرنقی‌زاده و صفری، ۱۳۹۶: ۱۹۹). در واقع اجرای عدالت کیفری سنتی دارای آثار و عوارض و مشکلاتی شده که انسان امروزی آن را برنمی‌تابد و این امر زمینه ظهور و بروز عدالت ترمیمی و گسترش سریع و اجرای آن در بسیاری از کشورها را فراهم کرده است و امواج آن روند کیفری کشور ما را نیز تحت تأثیر قرار داده است. هوارد زهر در خصوص عدالت ترمیمی می‌نویسد: «عدالت ترمیمی پاسخ و واکنشی است به بزه که بر ترمیم و جبران خسارت‌های بزه‌دیده تأکید دارد. این روش، بزهکار را نسبت به آسیب و خسارتی که به وجود آورده مسئولیت‌پذیر نموده و آشتی را در میان گروه‌ها به وجود می‌آورد. استفان پی‌گروی، نیز عدالت ترمیمی را شیوه‌ای برای نشان دادن واکنش به بزه توصیف می‌کند. وی طبق نظرات هواداران عدالت ترمیمی به مقایسه عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی می‌پردازد و سپس نتیجه می‌گیرد که واکنش عدالت ترمیمی نسبت به بزه، بهتر از کیفر بزهکار است (شیری، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). به اعتقاد حقوقدانان و جرم‌شناسان در مدل عدالت ترمیمی علاوه بر حل و فصل اختلافات، خصومت‌ها و تنش‌های بین بزه‌دیده و بزهکار در قالب فرآیند میانجیگری، مذاکره و مصالحه جمعی رفع و ترمیم می‌گردد. لذا استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری می‌تواند قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مختلفی داشته باشد و با اهداف و آثار متفاوت همراه شود که از جمله آن‌ها در رسیدگی به جرایم خشن است. جرم، تاریخچه‌ای به قدمت زندگی انسان‌ها دارد و از زمان‌های بسیار دور یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان اجتماعی بوده است. جرایم خشن به دلیل ایجاد آسیب‌های جسمی و روحی شدید، به عنوان جرایم خشونت‌آمیز شناخته شده‌اند. از مهم‌ترین این جرایم، قتل عمد و آدم‌ربایی است که علاوه بر آثار متعدد امنیتی، می‌تواند در از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مؤثر باشد (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۵۷). اما سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا مدل عدالت ترمیمی در مورد جرایم (مثل قتل، آدم‌ربایی و ..) هم قابلیت اجرا دارد و می‌تواند کارآمد باشد یا خیر؟ از سوی دیگر رویکرد قانون‌گذار به جرایم خشن در قانون مجازات اسلامی و سیاست کیفری نیازمند رسیدگی می‌باشد. به بیان دیگر عدالت ترمیمی اقدامی است که قبل از هر چیز به دنبال اجرای عدالت از رهگذر جبران و ترمیم خسارات و صدمات ناشی از ارتکاب جرم است. در واقع عدالت ترمیمی فرآیندی است که طی آن طرف‌هایی که به گونه‌ای در جرم خاصی نقش دارند، گرد هم آمده تا درباره نحوه رویارویی با جرم ارتكابی و ترمیم پیامدهای آن تصمیم مشترک اتخاذ نمایند. در واقع عدالت ترمیمی رویکرد مبتنی بر حل و فصل جرم است که همه طرف‌های ذینفع و به‌طور کلی جامعه را در یک رابطه پویا با نهادهای قانونی و پلیسی مرتبط و درگیر می‌سازد. فرآیند عدالت ترمیمی درصدد جبران تمام خسارات و ترمیم آثار آن‌ها اعم از مادی و معنوی و از همه مهم‌تر درد و رنج عاطفی و روانی است (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸). لذا الگوی عدالت ترمیمی و توسعه آن با این نگاه جدید به امور کیفری به ویژه جرایم خشن از دیگر مسائل نیازمند تبیین است. بررسی الگوی جدید عدالت کیفری و این که تا چه میزان در پیشگیری از ارتکاب جرایم خشن و روند رسیدگی به آن مؤثر است، از اهداف این تحقیق است که در این خصوص این سوال که آیا برنامه‌های عدالت ترمیمی قادر به مقابله با جرایم خطرناک و خشن می‌باشد؟ مطرح می‌گردد. فرضیه‌ای که در این خصوص در نظر گرفته شده این است که به نظر می‌رسد رویکرد عدالت ترمیمی قادر به مقابله با بسیاری از جرایم خشن و خطرناک می‌باشد که با روش توصیفی-تحلیلی که متضمن توصیف و تحلیل قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی و مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع حقوقی موجود است مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

## 2. عدالت ترمیمی



تغییر در الگوهای عدالت کیفری به شکل های متعددی متبلور می شود. یکی از این تغییرها افقی کردن عدالت-کیفری است. در پرتو این تغییر، عدالت کیفری از شکل یکسویه و عمودی خارج شده و جنبه دوسویه و افقی پیدا می کند. یعنی دیگر مقام قضایی به طور مطلق و بدون اعتنا به نظر بزهکار و بزه دیده در خصوص دعوی کیفری تصمیم نمی گیرد، بلکه از این پس نظر نقش آفرینان دعوی کیفری را در زمینه تعیین سرنوشت دعوی کیفری جویا شده و گاه نظرها و خواسته های آنان را بنیان پاسخ دهی قرار می دهد (نیازپور، ۱۳۹۰: ۴۴). عدالت ترمیمی یک الگوی جدید تفکر در امور کیفری است که بر جبران خسارت تمرکز دارد. در قرن ۲۰ میلادی، در میان مصلحان اجتماعی و اصلاح طلبان حقوق کیفری معاصر، حرکتی (مجموعه ای از رویه های غیر رسمی عدالت، در خارج از فرآیند سیستم رسمی دادگستری) ایجاد گردید که از آن به عنوان «عدالت ترمیمی» یاد شده است. عدالت ترمیمی به عنوان بخشی پویا از نظام عدالت کیفری، عدالتی است که دایره مدار بزه دیده است که از طریق ترمیم و جبران خسارت وارده به زبان دیده محقق می گردد و درصدد یافتن راه حلی برای جبران مشکلات ناشی از جرم از طریق افرادی است که دخیل در وقوع جرم بوده اند (جهان شاه و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱). هوارد زهر معتقد است «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر کردن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند؛ تا آن جا که امکان پذیر است از طریق جمعی، نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها و تعهدات برای التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور اقدام کنند» (زهر، ۱۳۹۰: ۷۴). تونی مارشال، عدالت ترمیمی را نوعی عدالت مبتنی بر جبران تعریف کرده و در این باره تأکید می کند که باید به بزهکار فرصتی برای ترمیم آن چه در نتیجه ارتکاب جرم از بین برده است داده شود تا در وهله اول نسبت به جبران زیان بزه دیده اقدام کند (مارشال، ۲۰۰۷: ۲۳). مارتین رایت نیز معتقد است عدالت ترمیمی، عدالتی است که تلاش می کند بین منافع بزه دیده، جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزهکار، توازن و تعادل ایجاد نماید و می کوشد تا ترمیم و بهبود وضعیت بزه دیده را در حد امکان، عملی ساخته و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند (مانند بزه دیده، بزهکار، وابستگان آن ها، نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری) جهت مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی گردهم آورد (عباسی، ۱۳۸۲: ۹۸). گروهی، نیز عدالت ترمیمی را شیوه ای برای نشان دادن واکنش به بزه قلمداد می کند و نتیجه می گیرد، واکنش عدالت ترمیمی به بزه از نظر ایجاد آرامش در بزه دیده بهتر از کیفر بزهکار است و منجر به اصلاح رنج های او می شود که هدف اصلی بزه دیده از طرح دعوی کیفری اساسا همین است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۶). با وجود همه این تعاریف، عدالت ترمیمی را می توان این گونه تعریف کرد: عدالت ترمیمی فرایندی است که به وسیله آن، تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند، گردهم می آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه دیده و بزهکار و جامعه بعد از وقوع جرم، چاره اندیشی کنند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۰: ۲۲). به عبارتی می توان گفت این تعریف، تعریفی جامع و کامل است. عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم شناسی و به طور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دو دهه اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است (رایجیان، ۱۳۸۱: ۲۲).

### ۳. خشونت و جرایم خشن

فرهنگ حقوقی، خشونت را استفاده نابه جا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت تعریف می کند (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۵۷). خشونت عبارت است از استفاده نامشروع و غیرقانونی از زور و قدرت (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹: ۸). رفتارهای خشن طیف وسیعی از کنشها و واکنشها را شامل میشود که از خشونت کلامی آغاز و به فجیع ترین نوع جرایم خشونت بار نظیر قتل های دسته جمعی می - انجامد (میرجعفری و بیابانی، ۱۳۸۷: ۲۸). ارائه تعریفی جامع و مانع از جرایم خشن به سادگی امکان پذیر نیست؛ اما شاید بتوان با بهره گیری از برخی معیارها به شکل نسبی آن را تعریف کرد. جرم خشن از جمله جرایمی است که در تعریف آن باید به معیارهایی مانند موارد ذیل توجه شود: نوع و میزان آسیب و آلام وارده به بزه دیده و اطرافیان و جامعه از ارتکاب آن جرم؛ ارتکاب آنی و بدون برنامه ریزی جرم و یا ارتکاب جرم با سوء نیت قبلی، میزان خشونت بار بودن جرم ارتكابی، میزان و شدت



ماندگاری آثار سوء به جایمانده از ارتکاب آن جرم، مکان و زمان ارتکاب جرم، ارتکاب فردی و یا گروهی، نوع و میزان واکنش‌های اجتماعی و میزان و شدت مجازات‌های قانونی نسبت به ارتکاب آن جرم (عبدالرحمانی و یارگر، ۱۳۹۸: ۸۶). جرایم خشونت‌آمیز، از نوع جرایم شدید است که مردم بیش‌ترین ترس را از آن‌ها دارند، آدم‌کشی یا قتل، تجاوز به عنف، سرقت، کودک‌آزاری به عنوان جرایم خشونت‌آمیز شناخته می‌شود (ریو، ۲۰۰۰ به نقل از مؤذن و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶). به عبارت دیگر، منظور از جرایم خشن، جرایمی است که به صورت گستاخانه و با خشونت و جسارت در انتظار عمومی رخ دهد. بر طبق قانون مجازات اسلامی، جرایم خشن شامل قتل، منازعه (ضرب و جرح و اسیدپاشی و ...)، تهدید اشخاص، آدم‌ربایی، سقط جنین، جرایم جنسی، تجاوز به عنف و اکراه و زورگیری و سرقت مسلحانه است (صابری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). هم چنین برخی معتقدند، جرایم خشن به سه دسته شامل خشونت علیه اشخاص عادی (نظیر جرایم ضرب و جرح، تجاوز به عنف و قتل عمد)، خشونت علیه اموال و دارایی دیگران (مانند جرایم سرقت، جعل اسناد و ...) و خشونت علیه نظم عمومی (مانند جرایم افساد فی الارض یا محاربه و ...) تقسیم می‌شوند (شیخ الاسلامی و محمدسلطانی، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

#### 4. ضرورت کنترل و پیشگیری از وقوع جرایم خشن

پدیده جرم یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی و از خطرناک‌ترین آفت‌های ممکن می‌باشد. با مروری بر تاریخ درمی‌یابیم پیشگیری از جرم عمدتاً به مفهوم پیشگیری از تکرار جرم بوده و نه پیشگیری از وقوع جرم هرگونه اقدام پیشگیرانه باید بر طبقات خاصی از جرایم متمرکز باشد، چرا که انگیزه‌ها و شیوه‌های اقدام بزهکاران ممکن است حتی برای جرایمی که در ظاهر مشابه هم به نظر می‌رسند بسیار متفاوت باشند (قجاوند، ۱۳۹۸: ۴۲). جرایم خشن، روابط انسانی و امنیت را هم از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند. به طوری که انسجام جامعه را با مشکل روبه رو می‌سازد. بنابراین جرایم خشن از آن قسم مسائلی است که حساسیت خاصی را در جامعه برمی‌انگیزد، چرا که بروز رفتارهای خشونت‌آمیز همانند؛ چاقوکشی، نزاع و درگیری، تجاوز به عنف، سرقت، قتل و ... جامعه را دچار تشنج می‌کند و این تشنج باعث می‌شود تا انسان‌ها احساس ناامنی کنند. اگر احساس ناامنی در جامعه وجود داشته باشد، بسترهای گوناگون توسعه (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) فراهم نخواهد شد. چنانچه رابرت ال ایرس هزینه‌های جرم و خشونت را شامل کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی، فرسایش توسعه سرمایه انسانی، تخریب سرمایه اجتماعی و بلااثر کردن توانایی‌های دولت می‌داند و اینگاندر صرف نظر از رنج و درد قربانیان و هزینه‌های روانی برای اعضای خانواده به شش مورد هزینه مالی شامل ۱- هزینه‌های معالجه‌ای برای قربانیان؛ ۲- از دست دادن قابلیت تولید به علت جراحات؛ ۳- هزینه‌های خدمات بهداشت روانی؛ ۴- هزینه‌های پلیس، خدمات اجتماعی و بازجوها؛ ۵- حمایت‌های مالی از قربانیان؛ ۶- هزینه‌های تعقیب و زندانی کردن متخلفان (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۷). لذا میتوان گفت یکی از دلایل ضرورت پیشگیری از جرایم خشن مقابله با احساس ناامنی در جامعه برای افراد و هزینه‌های ناشی از آن می‌باشد. از نظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان داخلی و خارجی، توجه و بررسی جرایم خشن به عنوان یک پدیده اجتماعی از آن جهت اهمیت دارد که میزان این نوع جرایم، نمودار خصائص یک جامعه کل است. به عقیده آنان، میزان و البته اشکال گوناگون جرایم خشن به نحوی تصادفی تغییر نمی‌کند بلکه تابعی از اوضاع و احوال متعدد موجود در جامعه و رخدادهای اجتماعی- اقتصادی است. بر همین اساس مهم‌ترین وظیفه یک جامعه‌شناس و جرم‌شناس در وهله نخست آن است که میان تغییرات میزان جرایم خشن به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و اوضاع و احوال اجتماعی همبستگی برقرار کرد و عوامل و متغیرهای مؤثر بر بروز و گسترش این دسته از جرایم را تبیین نماید تا بتواند راهکارهای مقابله با آن‌ها را بیابد (عبدالرحمانی و یارگر، ۱۳۹۸: ۷۹). در حقیقت از ضرورت‌های پرداخت به جرایم خشن و تلاش برای پیشگیری از آن‌ها این است که میزان در حال رشد جرایم خشن (به ویژه سرقت مسلحانه و یا سرقت‌های توأم با ضرب و جرح شدید، دزدی‌های شبانه همراه با ایجاد رعب و وحشت و نزاع‌های منجر به مرگ به شدت اذهان عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ورودی تمامی ده اتهام اول کشور (شامل سرقت مستوجب تعزیر، ضرب و جرح عمدی، توهین، ایراد صدمه بدنی غیرعمدی، تهدید، تخریب، کلاهبرداری، خیانت در امانت، نگهداری و مالکیت مواد مخدر، مزاحمت تلفنی) در طول چند سال اخیر در ایران روند افزایش داشته‌اند. جایگاه جرایم خشن در این است با عناوین همچون ضرب و جرح عمدی، توهین و تهدید بسیار قابل توجه است (عطوف، ۱۳۹۶: ۱۳۵).





## 5. تدابیر عدالت ترمیمی در جرایم خشن

عدالت ترمیمی فرآیندهای غیررسمی رسیدگی به اختلافات ناشی از وقوع جرم و دعوی را به عنوان جایگزین فرآیند رسمی و دولتی مطرح می کند و از ظرفیت های موجود در فرهنگ عامه با روش های بومی، محلی و شبه قضایی جوامع برای تسهیل سازش و مصالحه میان طرفین جرم و ترمیم خسارت ها و آسیب های بزه دیدگان استفاده می کند. عدالت ترمیمی علاوه بر حل و فصل اختلافاتی که با ارتکاب جرم انجام شده؛ خصومت، تنش و اختلال ناشی از آن را بین بزه دیده و بزه کار در جامعه محلی در چهارچوب فرآیند مذاکره و مصالحه جمعی رفع و ترمیم می کند، بنابراین هدف اصلی عدالت ترمیمی، اجتناب از فرآیند کیفری، قضایی رسمی و پیچیده و پرهزینه و مشارکت دادن جامعه مدنی است که بزه کار و بزه دیده از اعضای آن در مذاکرات اصلاحی و سازشی محسوب می شوند. اصولا عدالت ترمیمی، سیاستی است که در پی ترمیم گسست ها و شکاف های روابط انسانی و ترمیم و درمان لطامات و صدمات متحمل شده از سوی بزه دیده و بزه کار و وابستگان آن ها و جامعه است و از روشی مسالمت آمیز برای مدیریت بزه کاری بهره می برد. در واقع عدالت ترمیمی می خواهد بزه کاران را مستقیم خطاب قرار دهد و از طرفی وی را با جامعه، بزه دیده و مقامات دستگاه کیفری آشتی دهد (میرزایی و کریمی، ۱۳۹۸: ۴۳).

### 1-5. قتل عمد

قتل عمد را گلدوزیان این گونه تعریف کرده است: فعل بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۲۲). قتل عمد، از جمله جرایم خشنی است که با قصد و نیت قبلی صورت می گیرد، لذا رسیدگی به آن، با حساسیت های بیشتری انجام می شود. عدالت ترمیمی به عنوان سیاست جنایی قابل انعطاف، سعی دارد تا با ایجاد سازوکارهای مناسب صلح و سازش را در جرایم خشن به کار برد تا ضمن جبران خسارات بزه دیده، از بروز خصومت بین بزه دیده و بزه کار و خانواده هایشان پیشگیری کرده و میان آن ها صلح برقرار نماید. مجازات قتل عمد براساس حقوق کیفری اسلام و قوانین موضوعه ایران، قصاص است که با درخواست اولیای دم قابل اجراست. با توجه به این که مصالحه و سازش میان طرفین در جوامع اسلامی یک سنت حسنه تلقی می گردد. امروزه در ایران در موارد قابل توجهی این سنت اجرا شده و بزرگان جامعه اعم از ریش سفیدان و اشخاص صاحب نفوذ اجتماعی به ویژه در میان قبایل و عشایر و خانواده های مذهبی با پادرمیانی و وساطت، اولیای دم را به سمت و سوی سازش سوق می دهند و در نتیجه اقدامات آنان، قصاص قاتل جای خود را به گذشت می دهد که این امر جلوه ای از اجرای عدالت ترمیمی می باشد. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، با رعایت اصل قواعد عمومی مربوط به جرم انگاری برای جنبه عمومی قتل به عنوان شدیدترین جرم علیه تمامیت جسمانی افراد، جرم مزبور را غیر قابل گذشت تلقی کرده بود و حتی با گذشت اولیای دم نیز دادگستری مکلف به تعقیب جرم و مجازات مرتکب بود. این رویه تا سال ۱۳۶۱ که قانون حدود قصاص و دیات به تصویب رسید ادامه داشت و در سال ۱۳۶۲، قانونگذار با هدف اسلامی سازی قوانین و به خصوص قوانین کیفری، جرم قتل عمد را قابل گذشت اعلام کرد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۸۰). طبق ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار ایران با عنایت به مصالح عمومی جامعه که با ارتکاب جرم صدمه دیده، توجه خاصی داشته است. به این نوع از جرایم جنبه عمومی اعطا کرده، لذا در صورتی که اولیای دم قاتل را مورد بخشش قرار دهند و یا به هر علتی اجرای قصاص ممکن نگردد، قاتل به طور مطلق از مجازات رهایی نمی یابد بلکه با توجه به مصالح عمومی جامعه به حبس محکوم خواهد شد. قتل های ارتكابی میان اعضای خانواده لزوماً به گذشت منتهی می شود که همراه با شرمندگی سازی مرتکب و تحمیل تعهدات مادی و معنوی بر وی در قبال خانواده است؛ اما در بین بستگان دورتر، با وجود انتظارات متقابل و رقابت های پنهانی، وقوع قتل به گسست روابط فامیلی منجر می شود و از آن جا که خویشان در برابر یکدیگر جبران های مادی و مالی را نشانه ضعف و حقارت می دانند و جبران های معنوی نیز با توجه موضوعات فوق غیرممکن یا زمان بر است، ترمیم روابط مشکل یا غیرممکن است. اما در بین دوستان و هم محل ها پیوستگی افراد به دنبال اشتراکات معنوی (معمولاً پیوندهای ثانوی معنوی) امکان ترمیم روابط را آسان می سازد؛ در قتل های طایفه ای و قومی، اگرچه سازش ها به ندرت جنبه ترمیمی دارند، اما همین میزان نیز نقش عمده ای در پیشگیری از انتقام های بعدی دارد. اما در بین بیگانه ها و در مواردی که طرفین ارتباطات بسیار اندکی دارند، تمایل بزه دیده



به ایجاد حلقه ترمیمی و حتی امکان ترمیم بسیار اندک است؛ به طور کلی می‌توان گفت، در مواردی که امکان ترمیم وجود دارد و با مهارت و تدبیر اتخاذ شود، این امر نقش مهمی در پیشگیری از تکرار جرم دارد (فرجیها و امینی، ۱۳۹۵: ۲۱). به هر ترتیب توجه به این نکته حائز اهمیت است که قتل عمد از جمله جرایم خشنی است که می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های عدالت‌ترمیمی به حل و فصل آن پرداخت و از بسیاری اختلافات، خصومت‌ها و وقوع دوباره آن پیشگیری نمود.

#### الف) روش‌های رسمی و غیررسمی اجرای عدالت ترمیمی در خصوص قتل عمد

در مورد وقوع قتل عمد برابر نصوص آیات و احادیث و به اجماع فقهای مذاهب مختلف، اولیادیم از حق قصاص قاتل و عفو وی و یا مصالحه بر دیه مقتول یا کمتر و یا بیشتر از آن برخوردار هستند (جباری و امیدی، ۱۳۹۵: ۱). با عنایت به این که یکی از بارزترین جلوه‌های عدالت ترمیمی میانجیگری میان بزه‌دیده و بزه‌کار می‌باشد. می‌توان گفت توجه ویژه عدالت ترمیمی به بزه‌دیده در جهت جبران خسارت برای وی و همچنین حمایت از او جهت التیام دردهایش (در قتل عمد که بزه‌دیده اصلی طی ارتکاب جرم از بین رفته، خانواده درجه یک وی از بزه‌دیدگان به حساب می‌آیند) میسر می‌باشد. بنابراین قاضی می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های عدالت‌ترمیمی به حل اختلاف میان قاتل و خانواده مقتول بپردازد و خانواده مقتول از اجرای قصاص در مقابل تبدیل آن به دیه و حبس منصرف گرداند. اگرچه عده‌ای معتقدند که در خصوص جرایم سنگین و خشن، مثل قتل عمد، نمی‌توان از عدالت ترمیمی استفاده کرد ولی به نظر می‌رسد با استفاده از روش‌های رسمی و غیررسمی ترمیمی می‌توان به سازش در خصوص این جرم دست یافت. در روش رسمی، واحدهای مصالحه و سازش حاضر در مراکز دادگستری، وظیفه دارند که به خانواده‌های مقتولان در پرونده‌های قتل عمد که توصیه و پیشنهاد بخشش با یا بدون دریافت خون‌بها را بدهند که این وظیفه پس از قطعیت حکم قصاص توسط دیوان عالی کشور محقق می‌گردد که این امر در مواردی ممکن است موفقیت‌آمیز و در مواردی هم بی نتیجه باشد و گذشت خانواده مقتول را به دست نیابرد (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۶۸). در روش‌های غیررسمی، پرونده قتل عمد جهت اجرای قصاص به واحدهای اجرای احکام کیفری ارجاع داده می‌شود که در این مرحله نیز به سه شکل امکان تحقق عدالت ترمیمی وجود دارد. ۱- طلب بخشش قاتل از اولیای دم توسط دادستان یا دادیار اجرای حکم در صحنه اعدام، ۲- تقاضای خانواده قاتل و یا سایر حاضرین در صحنه مبنی بر گذشت، ۳- طلب گذشت و بخشش توسط خود قاتل در لحظه اجرای حکم (همان: ۶۹؛ ۷۰). البته باید توجه داشت که با اعمال هر یک از این مکانیزم‌ها، قاتل فقط از قصاص نجات می‌یابد اما به شکل دیگری مجازات خواهد شد. در واقع با گذشت اولیای دم، جنبه خصوصی جرم منتفی می‌گردد اما جنبه عمومی جرم با صدور حکم به سه تا ده سال حبس به اجرا گذارده می‌شود.

#### 5-2. آدم‌ربایی

ربایش انسان‌ها، یکی دیگر از انواع جرایم خشن است. این جرم از عمده‌ترین جرایم علیه آزادی اشخاص می‌باشد و شاید بتوان گفت بعد از قتل، مهم‌ترین جرم علیه اشخاص و حیثیت معنوی، آدم‌ربایی است که در جوامع مختلف بشری کم و بیش شیوع داشته و با گذشت زمان و پیشرفت در صنعت و تکنولوژی نحوه ارتکاب این جرم هم تغییر یافته است (میرزابیگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷). آدم‌ربایی، شباهت زیادی با ربودن مال دیگری دارد و بدین معناست که انسانی بدون اراده و رضایت واقعی وی توسط دیگری از محلی به محل دیگر انتقال داده شود و به طرق مختلف از جمله خشونت، اجبار، تهدید و فریب، آزادی تن او به این وسیله سلب گردد (عزیزاللهی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). مطابق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آدم‌ربایی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد انسانی از آزادی آمد و شد برخلاف میل وی و برخلاف قانون به قصد مطالبه وجه، مال و به قصد انتقام یا هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا هر نحو دیگر می‌باشد.

#### الف) مجازات جرم آدم‌ربایی

باتوجه به این که دین مقدس اسلام، آزادی انسان‌ها را به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته است، سلب آزادی که مترادف آدم‌ربایی است از دیدگاه فقه اسلامی جرم محسوب شده و علاوه بر آن که حرمت تکلیفی دارد، استحقاق مجازات را نیز در پی دارد (همان: ۵۷).



۱۰۵). جرم آدم‌ربایی، باتوجه به تأثیری که در برهم زدن نظم جامعه می‌گذارد و حساسیتی که در شهروندان ایجاد می‌کند، یکی از سنگین‌ترین جرایم تعزیری در نظام حقوقی ایران است. ارتکاب این جرم منتهی به حبس‌های طولانی‌مدت می‌شود و مرتکب را از استفاده از بسیاری از امتیازهای قانونی در جریان محاکمه و پس از صدور حکم محروم می‌کند. مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات اصلی جرم آدم‌ربایی حبس از پنج تا پانزده سال است. علاوه بر این اقدامات آدم‌ربا می‌تواند جرم را سنگین‌تر کند و مجازات شدیدتری را به همراه داشته باشد. از جمله این‌که، اگر سن قربانی جرم کم‌تر از پانزده سال باشد یا ربودن به وسیله وسایل نقلیه انجام شود یا به قربانی جرم، آسیب جسمی یا حیثیتی برسد، مرتکب جرم آدم‌ربایی به حداکثر مجازات تعیین شده ۱۵ سال حبس محکوم خواهد شد. همچنین در صورتی که آدم‌ربا مرتکب جرایم دیگری مثل جرایم منافی عفت شود، به مجازات آن جرایم نیز محکوم خواهد شد (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۰). لذا از آن‌جا که آدم‌ربایی از جمله جرایم خشن غیرقابل گذشت می‌باشد با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب یا اجرای مجازات متوقف نخواهد شد. جرایم غیرقابل گذشت، جرایمی هستند که اراده شاکی در شروع به تعقیب آن نقشی مؤثر ندارد و گذشت وی تأثیری در تعقیب و روند رسیدگی و مجازات مجرم ندارد، (گرچه موجب تخفیف مجازات می‌شود) اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و وقتی شک حاصل شد که آیا فلان جرم قابل گذشت است یا غیرقابل گذشت، حسب اصل، جرم را غیرقابل گذشت تلقی می‌نمایند. این جرائم جنبه عمومی آن‌ها بر جنبه خصوصی غلبه دارد و ضرر آن‌ها مستقیم علیه جامعه است مثل آدم‌ربایی (ساوالانی، ۱۳۹۵: ۵۹۲). این جرم علاوه بر این که علاوه بر ایراد صدمه‌های مادی و معنوی بر ربوده شده و نزدیکان وی موجبات احساس ناامنی شدید در اجتماع را نیز فراهم می‌نماید. بسیاری از پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی براین باورند که برخی از جرایم جدی و سنگین، مانند آدم‌ربایی فراتر از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل عدالت ترمیمی است و عدالت ترمیمی تنها در جرایم خرد و با درجه اهمیت متوسط و پایین، قادر به حل و فصل جرائم است. اما امروزه در بسیاری از جرایم مهم، مانند جرایم ناشی از نفرت و یا جرایمی نظیر آدم‌ربایی، رویکردهای کیفری و بازدارنده پلیسی، به‌تنهایی قادر به حل مشکلات نیست و قانونگذاران ناچار هستند تا از رویکردهای خشک قانونی فاصله گرفته و هرچه بیشتر، با رویکردهای پیراحقوقی و پیراقانونی نظیر مذاکرات صلح، به مقابله با جرم و انحراف برخیزند (صبحی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). بنابراین رسیدگی به جرم آدم‌ربایی با استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی می‌تواند بسیار کاربردی و نتیجه‌بخش باشد. به این ترتیب که در صورت محکوم شدن آدم‌ربا به حبس تعزیری بیش از سه سال می‌توان در این مدت به جای حبس وی را از کلیه حقوق اجتماعی محروم نمود و یا حبس وی را به جزای نقدی تبدیل کرد. اما باتوجه به خشن بودن جرم آدم‌ربایی و خطراتی که نظم عمومی جامعه را به واسطه این جرم تهدید می‌کند، بهتر است که ظرفیت‌های عدالت ترمیمی با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق‌تری در خصوص جرم آدم‌ربایی به کار گرفته شود.

### 3-5. جرایم منافی عفت

از دیگر جرایم خشونت‌باری که در جوامع مختلف از گذشته‌های دور وجود داشته جرایم منافی عفت می‌باشد. چه در متون فقهی و چه در قوانین جزایی، تعریفی از جرم منافی عفت نشده و فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است. از منظر دکترین حقوقی، منافی عفت، عبارت است از «امورجنسی به معنی هرچه وسیع‌تر که برحسب عرف و احساسات یک جامعه شرم‌آور باشد و به منظور مواجهه یا شروع در آن صورت نگیرد. اگر به منظور مواجهه یا شروع در آن صورت گیرد، هنک ناموس و یا شروع در هتک ناموس است نه منافی عفت» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۹۰). قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در کتاب (تعزیرات و مجازات بازدارنده) فصلی را به جرایم منافی عفت و اخلاق عمومی اختصاص داده است اما تعریف دقیقی از جرایم منافی عفت ارائه نداده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۳۷ خود مقرر داشته: هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عملیات منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و ... از عبارت (غیر از زنا) در ماده چنین برداشت می‌شود که زنا هم جزء جرایم منافی عفت است اما باتوجه به این‌که قواعد خاص خود را در کتاب حدود، قانون مجازات اسلامی دارد مشمول این ماده نمی‌شود. علی‌رغم خارج نمودن زنا از مصادیق جرم علیه عفت عمومی، تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است». لذا تمام جرایم جنسی را شامل



می‌شود. از نظر رویه قضایی هم جرم منافی عفت، عبارت است از هرگونه رابطه ناشی از تمایل زن و مرد به یکدیگر از حد و مرز متعارف جامعه فراتر باشد، به نحوی که جامعه نتواند از آن چشم‌پوشی کند، بلکه آن را به عنوان یک عمل ضد اخلاق و عفت عمومی شمرده و مستحق مجازات و کیفر بداند (بیگی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). در ایران که اعتقادات و فرهنگ عمومی مردم و امر و نهی‌های قانونی بر اصول و موازین شرعی استوار است (اصل چهارم قانون اساسی)، جرایم منافی عفت جایگاه در خورتوجهی دارد. این جرایم در طبقه‌بندی جرایم، جزء جرایم خلاف عفت و اخلاق عمومی جامعه است و بیش از دیگر جرایم وجدان و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کنند. از این رو قانون‌گذاران، حقوق‌دانان و جرم‌شناسان به جهت ابعاد وسیع این جرایم، برای مواجهه با آن، توجه ویژه‌ای به علل و راهکارهای حقوقی و جامعه‌شناختی دارند.

#### الف) ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت

مقررات مربوط به جرایم منافی عفت در قانون آیین دادرسی کیفری براساس سیاست جنایی اسلام تدوین گردیده است. سیاست جنایی اسلام در خصوص جرایم منافی عفت مبتنی بر «سترعیوب»، «منع تجسس» و «بزه‌پوشی» است و پوشاندن خطای خود و سایر مؤمنان در جای‌جای آموزه‌های دینی توصیه شده اما به طور ویژه‌ای در کتاب و سنت بر بزه‌پوشی جرایم منافی عفت حساسیت نشان داده شده است و از سوی دیگر در زمینه کشف، تعقیب، تحقیق و اثبات این جرایم تلاش چندانی به چشم نمی‌خورد (شیدائیان و شیدائیان، ۱۳۹۷: ۱۲۰). سیاست بزه‌پوشی منحصرراً در جرایم حق‌اللهی اعمال می‌شود که برخلاف سایر جرایم، اصولاً برای کشف آن‌ها تلاشی از سوی حاکمیت صورت نمی‌گیرد، بلکه تلاش بر این است که جرم اثبات نشود در مقابل، مرتکب با یک دریافت درونی و آگاهانه به خطای خویش پی ببرد و در آینده مرتکب بزه نشود؛ علاوه بر بزه‌پوشی نیز طیفی از رویکردها مانند توبه بزه‌کار و عفو، می‌تواند کیفر را ساقط کند. در واقع شارع در خصوص جرایم حق‌اللهی، اجرای اخلاق در قلمرو خصوصی و در خلوت را که اصولاً قلمرویی محرمانه و خارج از نظارت جامعه است، به ضمانت اجرای کیفری وابسته نکرده است (زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۶: ۲۹۴). جرایم منافی عفت معمولاً با رضایت طرفین یا اطراف جرم رخ می‌دهد و به همین جهت معمولاً کسی خود را متضرر از جرم نمی‌داند و نه تنها شکایتی به دادگاه ارائه نمی‌کند بلکه اغلب نفع وی در کتمان جرم است (شیدائیان و شیدائیان، ۱۳۹۷: ۱۲۴). در همین راستا مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت است اما قانون‌گذار استثنائاتی را در آخر ماده آورده و مقرر داشته «... مگر در مواردی که جرم در مرعی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا تجاوز به عفت و سازمان یافته باشد».

#### - وقوع جرایم منافی عفت در منظر عام

افراد زمانی می‌توانند از مزایای ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت استفاده کنند که به صورت آشکار و در دید عموم نباشد. در حقیقت در چنین مواردی که جرم به صورت آشکار و در دید عموم ارتکاب یابد مرتکب یا مرتکبان خود باعث اشاعه موضوع شده و تجری آن‌ها به حدی است که در برخورد با آن‌ها قاضی به محدودیت‌های قانونی مأخوذ نباشد.

#### - وجود شاکی

شاکی، شخصی است که شکایت مطرح کرده است. شاکی در لغت به معنی شکایت‌کننده و گله‌کننده است و در اصطلاح به کسی که از دست دیگری به یکی از مقامات رسمی مرجع شکایت، تظلم شفاهی یا کتبی کند (فرهود، ۱۳۹۷: ۲۹). هم‌چنین براساس ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده یا شاکی، شخصی است که به طور مستقیم از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود؛ اگر این شخص در مراجع قضایی طرح شکایت کند، شاکی خصوصی نامیده و اگر جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را مطالبه کند، به وی مدعی خصوصی گفته می‌شود (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۳). جرم علیه عفت عمومی جزء جرایم غیرقابل گذشت است چرا که اولاً قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: جرایم قابل گذشت جرایمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. و دوماً در ماده ۱۰۳ همان





قانون از طرفی اصل را بر غیرقابل گذشت بودن جرم قرار داده و از طرف دیگر مصادیق جرایم قابل گذشت را مشخص کرده که جرم علیه عفت و اخلاق عمومی بین آنها نیست.

#### - تجاوز به عنف

تجاوز به عنف نوعی رفتار خشن و تحقیرآمیز است که از طریق اعمال جنسی و برای ابراز قدرت و خشم صورت می گیرد (رضایی، ۱۳۹۶: ۳۸). تجاوز به عنف از منظر حقوق کیفری ایران عبارت است از دخول آلت تناسلی مرد در واژن یا مقعد زنی غیر از همسر وی بدون رضایت زن (سیگل، ۱۳۸۵: ۵۱۸). که قانون گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات اعدام را برای آن مقرر داشته است. تجاوز به عنف به واسطه تأثیر روانی که در ایجاد حس ناامنی در جامعه و هتک حرمت و حیثیت در بزه دیده دارد، از تأثیرگذارترین جرایم به شمار می آید. هر جامعه دست کم نیمی از جمعیت خود یعنی زنان را به طور دائمی در معرض بزه دیدگی از این جرم می بیند و به سبب همین موضوع است که گذشته از تأثیر دیدگاه ادیان و فرهنگ های مختلف در جرم نگاری جرائم اخلاقی همه کشورها در خصوص برخورد شدید با جرم تجاوز به عنف اتفاق نظر داشته و سنگین ترین مجازات ها را برای آن در نظر گرفته اند (آقابابا، ۱۳۹۶: ۹۳). تجاوز به عنف جرمی است که در ردیف مجازات های جنایی است. در کشورهای دیگر از لحاظ میزان مجازات به جنایت، جنحه و خلاف طبقه بندی شده اند. تجاوز به عنف در همه کشورها مجازات شدیدی دارد و به جنایت مربوط است.

#### - جرایم منافی عفت سازمان یافته

استثنای دیگری که ماده مذکور مقرر نموده، ارتکاب جرم منافی عفت سازمان یافته است. جرم سازمان یافته عبارت است از فعالیت های غیرقانونی و هماهنگی گروه منسجم از اشخاصی که با تبانی همدیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی می پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می کنند (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۱۱۱). مهم ترین ویژگی جرایم سازمان یافته «شدت جرم» است. جرایم منافی عفت سازمان یافته از نظر ماهیت، شدت، انگیزه و اهداف و تشکیلات سازمانی با سایر جرایم منافی عفت متفاوت هستند. آثار مخرب و گسترده این نوع جرایم نسبت به اجتماع باعث می گردد که بزه پوشی نسبت به آنها کنار گذاشته شود و نجات جامعه به عنوان یک هدف مستقل و برتر در مقابل بزه پوشی قرار می گیرد (شیدائیان و شیدائیان، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

#### (ب) تدابیر عدالت ترمیمی در رسیدگی به جرایم منافی عفت

جبران خسارت و اعمال مجازات بر مبنای اصول عدالت کیفری سنتی بر مرتکبان جرایم منافی عفت غالباً موجب التیام خاطر بزه دیدگان و جبران خسارت مادی، جسمی و معنوی آنان نمی شود؛ لذا باید در پی راه حل هایی بود که بتوان همه اشخاص درگیر در این جرایم یعنی بزه دیده، خانواده او، عامل ورود زیان و جامعه را مورد حمایت قرارداد. امری که بر مبنای اصول عدالت ترمیمی امکان پذیر است. به ویژه جایی که جبران خسارت وارد به بزه دیده و خانواده او و انتخاب ابزار و شیوه های مناسب این جبران مطرح می شود (آذری و طباطبائی حصار، ۱۳۹۵: ۱۳). در بحث جرایم منافی عفت، جبران خسارت مادی با دیه، مهرالمثل و ارش البکاره ممکن است جبران گردد ضمن آن که، جبران خسارت های وارد بر بزه دیده به شیوه سنتی بیشتر متکی بر شیوه های جبران پولی است و اعاده حیثیت این بزه دیدگان و جبران تألمات روحی و روانی آنان فراموش شده است. در بحث خسارت روحی، روانی و جسمی که به بزه دیده وارد شده است با اعمال نظام عدالت ترمیمی و حمایت جامعه از بزه دیده و خانواده وی، تنها بخشی از آن قابل جبران خواهد بود. به نظر می رسد، در جرایم منافی عفت به منظور مقابله با این جرایم و دفاع از فرد و جامعه می توان از رویکردهای اصلاحی و ترمیمی استفاده نمود. در جرایم منافی عفت مستوجب حد مثل زنا، لواط، مساحقه، قوادی و قذف، بزه پوشانی و پنهان نگه داشتن گناهان و به خصوص جرایم منافی عفت از سوی معصومین (علیه السلام) و عدم افشای لغزش های اخلاقی به جامعه و حاکمان نیز توصیه شده است. دین اسلام، تأکیدی بر اقرار به جرایم ارتكابی منافی عفت و اخلاق عمومی جامعه ندارد و همواره بر پوشاندن گناهان از دیگران و به جای آن توبه نزد خداوند تأکید می نماید.



در سیاست جنایی اسلام، افشای جرایم حدی متافی عفت در جایی که جنبه خصوصی دارد و به مرحله افشا از سوی خود فرد نرسیده، منع شده است (توجهی و صبوحي، ۱۳۹۶: ۲۰-۱۶). به عنوان مثال، مطابق آیه ۱۶ سوره نساء در صورت توبه مرتکبین عمل منافی عفت می توان از آن ها گذشت کرد و پس از اظهار ندامت و پشیمانی مرتکبان جرم، با توبه امکان بازگشت و اصلاح ترمیم آن ها را نمود. رویکرد بزه پوشی در جرایم منافی عفت می تواند به نوعی تدبیری ترمیمی باشد. زیرا تلاش برای اثبات این گونه جرایم باعث رفت و آمد مکرر بزه دیده به مراجع انتظامی و قضایی شده و موجب تجدید خاطرات و تألمات روحی وی می شود و ممکن است از رهگذر رفتار و پاسخ گویی نامناسب افراد و نهادها با بزه دیده مانند پلیس یا مراجع قضایی به بزه دیدگی ثانوی شخص نیز منجر شود و چه بسا این امر ناخوشایندتر از بزه دیدگی نخست باشد (حدادزاده نیری، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۷). بنابراین این بعد پیشگیری از تکرار جرم نیز می تواند جنبه ای از عدالت ترمیمی باشد.

#### 4-5. سرقت مسلحانه

یکی دیگر از جرایم خشن، سرقت های مسلحانه است که ممکن است با سلاح گرم و یا سرد و با توسل به زور و تهاجم صورت پذیرد. سرقت در علم حقوق از مباحث حقوق جزای اختصاصی است. سرقت مسلحانه نوعی از سرقت است که در آن از سلاح به عنوان ابزار تهدید استفاده می شود، آن چه در سرقت مسلحانه حائز اهمیت است، کیفیات شکل عناصر تشکیل دهنده آن می باشد. این جرم ممکن است به صورت سازمان یافته یا عادی اتفاق بیفتد. سرقت مسلحانه در بین انواع سرقت دارای اهمیت مطالعاتی فوق العاده ای است زیرا هم زمان امنیت جانی و مالی افراد جامعه را تهدید می کند (یاریزاده، ۱۳۹۸: ۹۷). هرگاه فرد یا افرادی، مسلحانه در امر سرقت یا قطاع الطريق (راهزنی) امنیت مردم یا جاده را برهم بزنند و رعب و وحشت ایجاد نمایند. مرتکب جرم مسلحانه شده اند. از دیدگاه انتظامی و کارآگاهان کشف جرم و پلیس سرقت مسلحانه به دو نوع سرقت مسلحانه با سلاح گرم و سرد تقسیم می شود لیکن از نظر قضایی به استناد مقررات جنایی میان سلاح گرم و سرد فرقی نیست و حتی چنانچه فرد یا افرادی با سلاح سرد نیز مرتکب سرقت و راهزنی معرفی گردند و امنیت مردم را سلب و ایجاد ارباب نمایند، همانند سارقین مسلحی که با سلاح گرم رعب آوری کرده و از مصادیق محاربه به شمار می روند (سرکوهی و مودتی، ۱۳۹۶: ۱۹۴). در تعریف محاربه باید گفت براساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال و ناموس مردم یا ارباب آنها به نحوی که باعث ناامنی در محیط شود. هرگاه فردی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد اما بر اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود. سرقت مسلحانه در قانون ایران، به دو صورت در مواد ۶۵۱ و ۶۵۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بیان شده است. براساس ماده ۶۵۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ هرگاه سرقت پنج شرط زیر را داشته باشد، سارق به پنج تا ۲۰ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود: سرقت در شب واقع شده باشد؛ سارقان دو نفر یا بیشتر باشند؛ یک یا چند نفر حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند؛ از دیوار بالا رفته یا حصار را شکسته یا کلید ساختگی استفاده یا برخلاف واقعیت خود را مأمور دولت معرفی کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی و توابع آن است سرقت کرده باشد و در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد. سرقت مقرون به آزار هم براساس ماده ۶۵۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ تعریف می شود. در این ماده قانونی آمده است: هرگاه سرقت مقرون به آزار یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ۱۰ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و اگر جرمی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات تعیین شده در این ماده محکوم خواهد شد (سرخره و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). هدف در جرایم مسلحانه، جان و مال بزه دیدگان است و از آن جا که مجرم به صورت برنامه ریزی شده و آگاهانه، اقدام به سرقت همراه با زور و تهدید و آسیب به جان بزه دیده می نماید می توان گفت با فرآیند عدالت ترمیمی نمی توان به آن رسیدگی نمود. زیرا همه جرایم را نمی توان با میانجیگری یا عفو عمومی، تخفیف مجازات، توان بخشی و یا توافق طرفین قربانی در قالب عدالت ترمیمی حل و فصل کرد. مثلاً در سرقت های ساده از فروشگاه ها و یا سرقت های غیرمسلحانه می توان با ورود به عقلانیت و وجدان انسانی مجرم مستعد ندامت و با میانجیگری نهادهای ترمیم و بازگرداندن اموال سرقت شده به بزه دیده امکان صلح را فراهم آورد ولی در سرقت های مسلحانه به دلیل رعب و وحشت ایجاد



شده در سطح جامعه و برهم خوردن نظم عمومی امکان جرح و تعدیل در مجازات وجود ندارد و رسیدگی به این نوع جرایم فقط در قالب عدالت کیفری میسر می‌باشد.

## 6. ابهامات عدالت ترمیمی در جرایم خشن

عدالت ترمیمی درصدد ایجاد توازن بین نگرانی‌های بزه‌دیده و جامعه محلی است و موجب بازسازی بزهکار با جامعه می‌شود. هم‌چنین درصدد فراهم کردن تشفی خاطر بزه‌دیده و ارزیابی میزان بهبود لطمات وارده به وی است. عدالت ترمیمی همه طرفین را قادر می‌سازد تا فعالانه در این فرآیند مشارکت کنند و سایر افرادی که از جرم متأثر شده‌اند از قبیل وابستگان بزه‌دیده و بزهکار را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و در جهت ترمیم صدماتی که در نتیجه جرم ایجاد شده‌اند، حرکت می‌کند. اما علی‌رغم تمام این ظرفیت‌ها برای حل و فصل همه جرایم نمی‌توان از عدالت ترمیمی استفاده کرد و در رسیدگی برخی از جرایم نیز کاربرد عدالت ترمیمی با خلأهایی همراه است. ممکن است ضوابط و قواعد ویژه حاکم بر فرآیند ترمیمی با اصول حقوقی حاکم بر روند سنتی رسیدگی کیفری در تعارض قرار گیرد که منتقدان عدالت ترمیمی معتقدند از بعد حقوقی بر عدالت ترمیمی ایرادهایی وارد است. مجازات برای بازدارنده بودن باید شدیدتر از جرم ارتكابی باشد یا میزان خشونت آن حداقل مانند جرم باشد تا بتواند حالت ضرب‌المثل پیدا کند. در حالی که پاسخ‌های ترمیمی عموماً سبک و خفیف هستند. علاوه بر این، عدالت ترمیمی باعث برهم زدن موازنه عدالت کیفری به نفع بزه‌دیده می‌شود و باعث کاهش اقتدار حاکمیت می‌گردد. به‌عنوان مثال روش میانجیگری یکی از مهم‌ترین سازوکارهای اجرای عدالت ترمیمی است که چالش‌هایی نظیر این که از بزه‌دیده به نفع بزهکار استفاده ابزاری می‌شود و این که مجریان میانجیگری فاقد عنصر تجربه و تخصص هستند را به همراه دارد.

نحوه برخورد با مجرمان خطرناک و پرخطر که جرایم خشن را مرتکب شده‌اند در فرآیند ترمیمی با چالش‌هایی مواجه می‌باشد. به‌کارگیری آزادی مشروط و نظارت الکترونیک نسبت به بهره‌وران تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است برای مجرمان جرایم خشن با چالش‌ها و موانع بسیاری همراه است. اصولاً در این برنامه‌های نظارتی برای مجرمان جرایم خشن قیود و شرایطی وجود دارد که افراد تحت نظارت، ضمن تبعیت موظف به رعایت آن قیود و شرایط هستند. بدیهی است یکی از مهم‌ترین عوامل مؤفقیت یک برنامه نظارتی در کمیت و کیفیت، نظارت‌پذیری افراد تحت نظارت است. در عین حال تخلف افراد تحت نظارت از اجرای تدابیر نظارتی از دغدغه‌های همیشگی در اجرای یک برنامه نظارتی محسوب می‌شود. تخلفاتی که از آن به نظارت‌گریزی تعبیر می‌شود. ممکن است به اشکال مختلفی مانند ارتکاب جرم جدید، امتناع یا سرپیچی از اجرای دستور، فرار و دست‌کاری و از کار انداختن تجهیزات الکترونیک یا سوء استفاده از پوشش، آرایش و جنسیت غیر واقعی صورت پذیرد (نجفی ابرندآبادی و یارگر، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۷).

عدالت ترمیمی باعث نظارت بیشتری بر فرد بزهکار می‌شود و سیاست‌های عمومی که در اختیار حاکمیت است را به تصمیمات فردی واگذار می‌کند به نظر می‌رسد که کشور ما ظرفیت بالایی برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی را دارد و باید عدالت ترمیمی را در کشور از شکل مطلوب خارج کرده و بیشتر به آن شکل اجرایی داد که برای این منظور سازمان‌ها و نهادهایی برای اجرای شیوه‌های متعدد عدالت ترمیمی باید تشکیل گردد که این سازمان‌ها علاوه بر داشتن تصمیماتی برای جبران خسارت، باید بودجه کافی هم در اختیار داشته باشند و این باعث می‌شود که عدالت ترمیمی در سطح وسیع‌تر و مطلوب‌تری اجرا شود.

## 7. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به تغییر و تحولات دنیای مدرن، سیاست‌های کیفری نیز دچار تغییراتی شده‌اند. به طور مثال و براساس موضوع پژوهش حاضر، در عدالت ترمیمی بر بازسازی و ترمیم رابطه گسسته بین بزهکار و بزه‌دیده، خسارت وارد آمده بر جامعه و بزه‌دیده و جبران آن تأکید می‌شود؛ به‌طوری که همه سهام‌داران اصلی جرم (بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی) نقش فعالی در فرآیند کار دارند بنابراین عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از آموزه‌های معاصر علوم جنایی است که از رهگذر آن طرف‌های درگیر در یک جرم معین به شکل جمعی یا گروهی برای حل و فصل و رسیدگی به آن‌چه از جرم حاصل شده و پیامدهای احتمالی آن در آینده



تصمیم‌گیری می‌کنند که این کار از طریق شیوه‌های غیررسمی همچون سازش، میانجیگری بین بزه‌دیده و بزه‌کار، گونه‌های مختلف نشست‌های ترمیمی، هیئت‌های ترمیمی اجتماع‌مدار، محفل‌های صدور حکم و تعیین ضمانت اجرایی صورت می‌پذیرد. عدالت‌ترمیمی باهدف اجرای عدالت از رهگذر جبران و ترمیم خسارات و صدمات ناشی از ارتکاب جرم و اصلاح مجرم، ایجاد زمینه صلح و سازش بین بزه‌کار و بزه‌دیده و برقراری نظم در جامعه روی کار آمد. در ایران، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ه.ش: «هر فعل یا ترک‌فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌گردد». انواع مختلفی از جرایم وجود دارند. جرایم خشن به دلیل برجای گذاشتن هزینه‌های روحی و روانی، اجتماعی و اقتصادی سنگین و طولانی‌مدت و به‌دلیل به خطر انداختن امنیت اجتماعی بسیار با اهمیت هستند. تعاریف متعددی از جرایم خشن ارائه شده است. جرایم خشن از خشونت کلامی تا انواع جرایم خشونت‌بار نظیر قتل عمد، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه و جرایم منافی‌عفت را شامل می‌شوند. از آن‌جا که جرایم خشن، روابط انسانی و امنیت را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کنند. لذا پرداختن به آن‌ها امری ضروری است. پس از بررسی عناصر، اصول، اهداف و ظرفیت‌ها و قوانین عدالت‌ترمیمی محقق به این نتیجه رسیده است که: اگرچه عده‌ای معتقدند در جرایم خشن، مثل قتل عمد، آدم‌ربایی، جرایم منافی‌عفت و سرقت مسلحانه، نمی‌توان از عدالت ترمیمی استفاده کرد ولی به‌نظر می‌رسد با استفاده از روش‌های ترمیمی می‌توان به صلح، جبران خسارت، تخفیف مجازات و ترمیم و اصلاح بزه‌کار در این جرایم نیز دست یافت.

به هر صورت، هرچند، عدالت ترمیمی دواي همه دردها به شمار نمی‌آید و قرار نیست ضرورتاً جایگزینی برای عدالت کیفری کلاسیک باشد، اما برای نزدیک شدن به الگویی قابل دفاع‌تر از عدالت ترمیمی می‌توان به راه سومی هم فکر کرد؛ بدین صورت که نظام کیفری در جرائم خرد و کوچک عدالت ترمیمی را حاکم کند و در جرائم سنگین نیز ضمن پذیرش و بهره‌گیری از دست‌آوردهای مثبت عدالت ترمیمی، نوع واکنش‌ها را از مجازات سلب حیات و آزادی به جایگزین‌ها و اعمال تدابیر اصلاحی و بازپروری، با اجرای علمی، اصولی و به همراه مراقبت‌های بایسته پس‌از درمان تبدیل کند. در راستای بهبود هرچه بیشتر عملکرد عدالت‌ترمیمی به نظر می‌رسد اقدامات ذیل ضروری است:

- لزوم طبقه‌بندی جرائم برحسب نوع آسیب‌ها و شخصیت مرتکبان و هدایت هرکدام به نظام کلاسیک یا ترمیمی، محدود کردن حوزه به‌کارگیری عدالت‌ترمیمی به جرائم کوچک و متوسط
- نیاز کماکان به پارادایم سزادهی در مقابله با جرائم خشن، سازمان‌یافته و بزه‌کاران خطرناک
- هدایت واکنش‌های سنگین به تدابیر جایگزین و اصلاحی
- تدوین یک نظام دادرسی عادلانه و توانمند ترمیمی
- پذیرش حضور وکلای مدافع متخصص و نیز تربیت و آموزش هدمند، تخصصی و جداگانه وکلایمدافع ترمیمی، در مقابل وکلای مدافع کیفری
- تمرکز اساسی بر آسیب‌شناسی جرم‌شناختی عدالت‌ترمیمی و پیش‌بینی تشکیل پرونده‌شخصیت دقیق و کامل در موارد ارجاعی به این فرآیندها

## منابع

- رایجیان، مهرداد. (1381). بزه‌دیده در فرایند کیفری، چاپ اول، انتشارات خط سوم.
- شیری، عباس. (1385). پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 74.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (1377). دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قجاوند، کاظم. (1398). کلیات جامعه‌شناسی انحرافات مجله اصلاح و تربیت، سال هشتم، شماره 93.
- میرزایی، محبوبه و شاملو، باقر و بوستانی، داریوش. (1397). بررسی جرم‌ناختی علل ارتکاب جرایم خشن (قتل عمد و آدم‌ربایی) در شهر کرمان؛ فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، شماره 45 - 73-55.





- مقدس، محمدباقر، میرزایی، محمد و غنی، کیوان. (1397). برنامه های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آئین دادرسی کیفری و رویه علمی پلیس ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره اول، شماره پیاپی 17.
- جهانشاه، شکری، روایی، اکبر و قاسمی، مسعود. (1398). عدالت ترمیمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه ها و محدودیت ها، فصلنامه راهبرد حقوقی سال اول، شماره 4 : 46 - 5.
- نیازپور، امیرحسین. (1390). توافقی شدن آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- زهر، هوارد. (1390). کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد.
- عباسی، مصطفی. (1382). افق های نوین عدالت ترمیمی و میانجیگری کیفری، تهران: انتشارات دانشور.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (1379). دوران گذار خشونت، امنیت عمومی، مجله امنیت شماره 12 و 11.
- میرجعفری، سیداصغر و بیابانی، غلامحسین (1387). درآمدی بر خشونت و جرایم خشونت بار، کارآگاه، دوره دوم شماره 2.
- عبدالرحمانی، رضا و ایارگر، حسین. (1398). راهبردهای اجتماع ارتباطی پلیس برای مقابله با جرایم خشن، فصلنامه مطالعات راهبری ناجا، سال چهارم، شماره 12.
- علیزاده، اعظم؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و سلیمی، اکبر. (1397). بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرایم خشن در بین زندانیان شهر سیرجان. فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره 3 : 250 - 225.
- شیخ الاسلامی، عباس و محمودسلطانی، طاهره. (1395). آسیب شناسی جرایم خشن و خطرناک و راهکارهای پیشگیری از آن در حوزه قضایی حومه شرق تهران. فصلنامه قضاوت، شماره 86 : 125 - 105.
- عطوف، حسینعلی. (1396). ارزیابی سیاست های کیفری در برابر جرایم خشونت آمیز از طریق تحلیل شاخص های کمی، نشریه علمی، تخصصی رهیافت پیشگیری، شماره 1.
- میرزایی، فرهاد و کریمی، نسیم. (1398). بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرایم خانوادگی (مطالعه موردی: ترک انفاق)، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره 40.
- گلدوزیان، ایرج. (1380). بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- رحمدل، منصور. (1385). جنبه عمومی قتل عمد، مجله حقوقی دادگستری، شماره 54 صفحات 79-98.
- جباری، مصطفی و امیدی، جلیل. (1395). عدول از قصاص نفس و مطالعه بر قصاص عضو در قتل عمد، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره 3 : 18 - 1.
- شمس ناتری، محمدابراهیم. (1383). روشهای رسمی و غیررسمی حل اختلاف در پرونده های قتل عمد در ایران، مجله علمی پژوهشی اندیشه های حقوقی، سال دوم، شماره 7 : 74 - 59.
- عزیزاللهی، حجت. (1398). مجازات آدمربایی در فقه امامیه و قوانین موضوعه، دوفصلنامه علمی ترویجی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره 40، صفحات 126 - 105.
- صبوحی، رحمان. (1393). رویکرد عدالت ترمیمی در پیشگیری از تکرار جراتم ناشی از نفرت، فصلنامه مطالعات پیگیری از جرم، سال دهم، شماره 33 : 122 - 107.
- حبیبزاده، محمدجعفر و رحیمی نژاد، اسماعیل. (1382). جرم آدمربایی در حقوق ایران، مجله دادرسی شماره 44 : 14-10.
- ساوانی، اسماعیل. (1395). حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مشاهیر دادآفرین.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (1388). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و یکم، تهران: گنج دانش.
- بیگی، جمال، پورقهرمانی، بابک، لیلان دوست، یوسف. (1392). سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرائم منافی عفت در ایران، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال هشتم، شماره 28 : 38-9.
- زارعی محمود آبادی، مهدی. (1396). واکاوی بزه پوشی و قوانین کیفری ایران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات حقوق، شماره 17 : 312 - 293.



- شیدائیان، مهدی و شیدائیان، زینب. (1397). رویکرد قانونی آتین دادرسی کیفری 1392 به جراتم منافی عفت، مجل حقوقی دادگستری، شماره 101 : 140 - 117 .
- خالقی، علی. (1388). آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش.
- رضایی، رضا. (1396). بررسی جرم تجاوز به عنف از نگاه جرم شناس، مجله کارآگاه، سال یازدهم، شماره 41 : 49 - 37.
- آقابابا، زهرا. (1396). بررسی علمقاضی در اثبات زنا و تجاوز به عنف. پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره 6 : 110 - 93.
- حدادزاده نیری، محمدرضا. (1388). تحقیق در جراتم منافی عفت. مجله حقوقی دادگستری، شماره 67. 126 - 115.
- توجهی، عبدالعلی و صیوحی، رحمان. (1396). سیاست جنایی بزه پوشی در حدود (باتأکید بر جرائم منافی عفت)، ماهنامه دادرسی، شماره 108 : 21 - 15.
- سرخه، محمود، دیناروند راد، علی و کریمی، محمد جواد. (1394). بررسی تطبیقی جرم سرقت مسلحانه در حقوق ایران و جمهوری عربی مصر، همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی. شیراز.
- سرکوهی، اسماعیل و مودتی، علی. (1396). واکاوی سرقت های مسلحانه بانک، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، شماره 3 : 218 - 191.

## Capabilities and gaps of restorative justice in dealing with violent crimes

**Masoud Ahmadi Rad**  
(Master of Criminal Law and Criminology)

### Abstract

For many years, punitive justice and rehabilitative justice, in the form of traditional or classic criminal policy, have been the only methods governing conflict resolution to establish justice. Following the inefficiencies and weak performance of this system, restorative justice emerged and spread as a new policy with the aim of compensating the victim, repairing and reforming the criminal, and establishing justice in the society. The current research aims to investigate the new model of criminal justice and to what extent it is effective in preventing the commission of violent crimes and the process of dealing with it, and it was carried out using descriptive-analytical method. The obtained results have shown that the main characteristic of restorative justice is its emphasis on compensating the victim. Therefore, in dealing with some violent crimes such as murder, kidnapping, crimes against chastity, the capabilities of restorative justice can be used to compensate the victim and also to establish peace and compromise between the victim or his dependents and the criminal. Of course, this does not mean that restorative justice alone works, but restorative justice along with classic criminal justice can solve many conflicts and disputes and help to establish order and security in society and realize justice.

**Key words:** retributive justice, rehabilitative justice, restorative justice, empowerment, gaps, compensation.